

زیبائی



گزیده ای از "پیامبر" ، «جبران خلیل جبران»

مترجم : فروغ طاعتی

تصویر : Claude Monet

زیبائی...

...و سپس شاعری پیش آمد و گفت : از زیبائی با ما بگو...

و حکیم پاسخ داد :

"زیبائی" را در کجا خواهید جست، و او را چگونه خواهید یافت،
اگر خود او ره نباشد و ره نُمَا،
و چگونه در وصف او سخن خواهید گفت،
اگر خود او ریسنده نباشد و رشته اش نیز کلام شما؟

از پا در آمدگان زخمی و آزرده می گویند، « "زیبائی" لطیف و نیکوست، و همچون
مادر جوانی رم کرده و وحشت زده از شکوه و عظمت خویش از بین ما می
گذرد.»

و شیفتگان پُر شور می گویند، « نه، "زیبائی" عامل سلطه و اقتدار است و نیز
عامل وحشت و هراس،
و مانند طوفان، زمین زیر پا و آسمان بالای سرمان را لرزانده و منقلب می سازد.»

خستگان از توان افتاده و بی رمق میگویند، « "زیبائی" متشکل از زمزمه هائی ست
دلنواز که در روح و سرشتمان با ما سخن می گوید،
صدای او نور ملایمی را به سکوتمان می سپارد،
نور بی رنگی لِرزان از ترس تاریکی...»

و آشوبگران هرج و مرج طلب می گویند، « ما فریادش را در بلندیها شنیده ایم،
و در میان فریاد او صدای سُم و ضربه های بال و نیز غرّش شیر را...»

شب هنگام، نگهبانان شهر می گویند، « "زیبائی"، همراه سپیده از شرق بر می
خیزد.»

و در نیمروز، مسافران و کارگران میگویند، «ما او را دیده ایم، خم شده از پنجره های
آفتاب غروب.»

در زمستان، پنهان شدگان زیر برف می گویند، « او همراه بهار خواهد رسید...جست و خیز کنان بر روی تپه ها...»
و در گرمای تابستان، دروگران می گویند، «اورا دیده ایم با غُباری از برف بر روی گیسوان، در حالیکه با برگهای پائیز می رقصید.»

شما همه چیز را در وصف "زیبائی" گفته اید، ولی از خود او، هیچ!...بلکه فقط امیال و خواسته های سرخورده و منتظران را بر زبان رانده اید...
و "زیبائی" نه میل و اشتیاق، که خلسه و وجد است،
او نه لبی تشنه است و نه دستی دراز شده،
بلکه قلبی ست مشتعل و جانی شیفته...
او نه آن تصویربست که مایل به دیدنش هستید و نه آن آوازی که مشتاق شنیدنش...
بلکه تصویربست که آنرا می بینید و آوازی که آنرا می شنوید حتی با چشمان و گوشهای بسته...
او نه شیره ای ست در زیر پوسته های چروکیده یک درخت،
ونه بالی متّصل به چنگال یک حیوان،
بلکه گلستانی ست همیشه پُر گل وابر غلیظ فرشته سانی مُدام در پرواز،

ای مردم، "زیبائی" ، زندگی ست...زندگی، آنگاه که نقاب از چهره مقدّس خویش برمی گیرد ...
وامّا شما ، زندگی هستید و نیز نقاب...
"زیبائی" ، جاودانگی ست در حال تماشای خود در آینه،
و شما، جاودانگی هستید و نیز آینه...

گزیده ای از "پیامبر" ، «جبران خلیل جبران»

مترجم : فروغ طاعتی

تصویر : Claude Monet